



چرا حضرت زینب(س) خطاب به یزید فرمود: ما رایت الا جمیلاً؟

چرا حضرت زینب(س) خطاب به یزید فرمود: ما رایت الا جمیلاً؟ تفسیر و معنای جمله: ما رایت الا جمیلاً؟ چیست؟
راسخون پاسخ می دهد.

چرا حضرت زینب(س) خطاب به یزید فرمود: ما رایت الا جمیلاً؟ تفسیر و معنای جمله: ما رایت الا جمیلاً؟ چیست؟ راسخون پاسخ می دهد.

مقدمه:

عزاداری و اشک ریختن و غمگین شدن در سوگ ابا عبدالله (علیه السلام) با جمله حضرت زینب (سلام الله علیها) «مَا رَأَيْتُ إِلَّا مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا» منافات ندارد.

حضرت زینب (سلام الله علیها) بعد از واقعه کربلا گفت که «جز زیبایی چیزی ندیدم»؛ پس این عزاداری های ما چه دلیلی دارد؟

ما رأیتُ الا جمیلاً (به معنای «چیزی جز زیبایی ندیدم») جمله مشهور حضرت زینب(س) پس از واقعه عاشورا در پاسخ به عبیدالله بن زیاد است.

عبیدالله در مواجهه با اسیران کربلا پس از نسبت دادن واقعه کربلا به خواست خداوند، از حضرت زینب دلیل کار خداوند را پرسید. حضرت زینب(س) در پاسخ به او فرمود:

چیزی جز زیبایی ندیدم. او در تبیین کلام خود، شهادت را سرنوشت امام حسین(ع) و یارانش از جانب خداوند عنوان کرد و از محاکمه نزدیک ابن زیاد، توسط خداوند سخن به میان آورد.

این جمله را نشانگر قدرت ایمان، اخلاص و تسلیم حضرت زینب(س) در برابر آزمایش و امتحان الهی دانسته اند.

تفسیرهای مختلفی از سوی محققان درباره زیبایی مورد نظر او بیان شده که زیبایی هدف و رفتار امام حسین(ع) و یارانش و همچنین زیبایی تدبیر خداوند از جمله آنهاست.

رسوا کردن ابن زیاد و اثبات حقانیت امام حسین(ع) از جمله اهداف حضرت زینب(س) در به کار بردن این جمله دانسته شده است.

در این مقاله برآنیم تا جلوه های زیبایی و نمادهای جمال در آینه کربلا را از منظر جمله ی تاریخی حضرت زینب (ما رأیتُ الا جمیلاً) مورد بحث قرار دهیم

چرا حضرت زینب(س) خطاب به یزید فرمود: ما رایت الا جمیلاً؟

ما رأیتُ الا جمیلاً و خاستگاه تاریخی

جمله «ما رأیتُ الا جمیلاً» را از جملات مشهور [۱] حضرت زینب(س) بعد از واقعه عاشورا می دانند. [۲] بنا بر گزارش های تاریخی عبیدالله بن زیاد پس از رویارویی با اسرای کربلا در عمارت کوفه، شهادت امام حسین(ع) و یارانش را سبب رسوایی آنها از جانب خداوند عنوان کرد و از حضرت زینب پرسید: دیدی خدا با برادر و خاندانت چه کرد؟

زینب(س) در پاسخ، این جمله را به کار برد [۳] و در ادامه فرمود: اینان افرادی بودند که خداوند سرنوشتشان را شهادت تعیین کرده بود و آنان نیز به خوابگاه های ابدی خود رفتند .

و به همین زودی خداوند، میان تو و آنان جمع می کند تا تو را به محاکمه بکشد! [۴] آن زمان متوجه خواهی شد که پیروزی از آن چه کسی خواهد بود. مادرت به عزایت بنشیند، ای پسر مرجانه. [۵]

عبیدالله پس از جواب حضرت، عصبانی شد و تصمیم گرفت تا زینب(س) را به قتل برساند که با وساطت یکی از یارانش از این کار

محمد هادی یوسفی غروی (زاده ۱۳۳۷ش) تاریخ پژوه معتقد است این جمله اولین بار در قرن هفتم هجری قمری توسط سید ابن طاووس (درگذشت ۶۶۴ق) در کتاب لهوف ذکر شده است. [۷]

با این حال جمله «ما رأیت الا جملاً» در کتاب الفتوح اثر ابن اعثم کوفی (درگذشت ۳۱۴ق) آمده است. [۸] به گفته مصحح کتاب الفتوح، عبارت «جملاً» مناسب سیاق نیست و آن را به «جمیلاً» تغییر داده است. [۹]

ما رأیتُ الا جمیلاً یعنی تجلی جمال حق تعالی
تجلی جمال حق تعالی در ضمیر پاک حضرت زینب کبری سلام الله علیها آن چنان درخشیده و او را به مقامی از "معرفت" و "عشق" به حق تعالی نایل کرده بود.

که در عالم مُلک و ملکوت، ظاهر و باطن، هستی و حوادث، جز جلوه جمال و جمیل و زیبای حضرت باری تعالی چیزی را مشاهده نمی کرد، بلکه از دید او چیزی غیر از آن نبود و وجود نداشت تا ببیند.

تبیین موضوع: کسی که به مقام "عرفان حقیقی" و مقام "معرفت به حق تعالی" رسیده باشد، نیز مقام "وصال" و "عشق" را درک کرده باشد.

معشوق حقیقی اش ذات حضرت حق است. و همه آفرینش را آینه و جلوه جمال "او" می بیند و برای غیر معشوقش، وجود حقیقی استقلال قائل نیست.

از این رو هر "فضایی" را که در "تقدیر خویش مشاهده می کند، آن را تبلور اراده و خواست معشوق می یابد. چون معشوق او (خداوند) را "خیر مطلق" می داند، معتقد است از "او" جز "خیر و خوبی، زیبایی و کمال" برای بنده عاشقش سرازیر نمی شود.

حضرت زینب کبری سلام الله علیها، صاحب "علم افاضی" است و به واسطه افاضه فیض که از "ذات حق تعالی" به او شده، به مقام "معرفت به حق تعالی" و "عشق" و "وصال" نایل گشته است.

به همین دلیل امام سجاد علیه السلام به او خطاب می کند: "عمتی بحمد الله انتِ عالمةٌ غیر معلّمة و فهیمةٌ غیر مفهّمة؛ بحمد الله تو عالمی هستی درس نخوانده و فهیمی هستی دانش نیاموخته". آن عرفان و عشق بود که همچون جدش رسول الله (ص) و پدرش امیرالمؤمنین (ع) اعلان می کند: به خدا سوگند! از هیچ کسی جز خدا نمی ترسم.

ما رأیتُ الا جمیلاً یعنی فقط رضای خدا
سخن استاد مطهری: امام حسین می تواند پیشوا باشد، چون تمام مشخصات بشری را دارد، او هم وقتی جوان رشیدش می آید از او برای جنگیدن اجازه می خواهد، دلش آتش می گیرد... عاطفه از کمالات بشریت است ولی در مقابل رضای حق پا روی همه اینها می گذارد. [10]

یعنی با وجود این همه عاطفه، در این مصیبت ها و گریه ها هرگز سخنی بر زبان جاری نمی شود یا رفتاری بروز نمی کند که خلاف رضای الهی و موجب خشم و سخط او شود.

بنابراین تفاوت آنها با دیگران در این است که غم ها و غصه هایشان برای خدا و در راه خداست، دردهایشان باعث نمی شود که راه خدا را ترک گویند.

بلکه در این راه تا پای جان استقامت می کنند و از همین روی لایق دریافت عنایت الهی شده و جانیشان از آن سیراب می گردد و فطرت توحیدی از آن لذت برده، نشاط می یابد و این روی زیبای واقعه است.

حضرت زینب (ع) مؤمن واقعی بود. یکی از صفات مؤمنان، رضا به قضای الهی است حضرت به مقام رضا رسیده بود، از این رو فرمودند: جز زیبایی ندیدم. در این صورت هرچه از دوست رسد نیکوست.

یکی درد و یکی درمان پسند و یکی وصل و یکی هجران پسند

من از درمان و درد و وصل و هجران پسندم آن چه را جانان پسندد

مقام رضا درجه ای بالاتر از صبر است. انسان در پرتو خصلت رضا و تسلیم در برابر مقدرات تلخ، به درجه ای می رسد که نیش ها را نوش احساس می کند.

بر این اساس وقتی امام علی(ع) از رسول اکرم(ص) پرسید: چرا به مقام شهادت نایل نشده ام، حضرت فرمود: چنین خواهد شد، ولی صبر تو چگونه خواهد بود؟ امام علی(ع) عرض کرد چنین موردی از موارد صبر نیست، بلکه از موارد بشارت است.

ما رأيتُ الا جمیلاً یعنی رمز پیروزی زینب(س)

قرآن کریم در ذیل آیه سوره بقره که پنج مورد از امتحانات سخت الهی در آن نام برده شده، می فرماید: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» [11]

بشارت پیروزی در امتحانات الهی مخصوص کسانی است که صبر داشته باشند. «زینب (علیها السلام) در صبر و بردباری یکه تاز میدان بود و زبان زد خاص و عام. کربلا تجلی اوج صبر بندگان مخلص خداوند است تا جایی که در زیارت نامه می خوانیم:

«لَقَدْ عَجَبْتُ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ؛ ملائکه آسمان از صبر تو به شگفت آمدند.» مخصوصاً در ماجرای کربلا آن چنان صبر و رضا و تسلیم از خود نشان داد که صبر از روی او خجل گشت. [12]

در مجلس ابن زیاد، آن گاه که آن ملعون با نیش زبانش نمک به زخم زینب (علیها السلام) می پاشد و برای آزردن او می گوید: «كَيْفَ رَأَيْتَ صُنْعَ اللَّهِ يَا حَبِيبَ وَأَهْلَ بَيْتِكَ؛ کار خدا را با بردار و خانواده ات چگونه یافتی؟» او در واقع با تعریض می خواهد بگوید که دیدی خدا چه بلایی به سرتان آورد؟

زینب (علیها السلام) در پاسخ درنگ نمی کند. گویی از قبل برای این شماتت ها اندیشه نموده و پاسخی آماده کرده است. او با آرامشی که از صبر و رضای قلبی حکایت داشت، فرمود:

«مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً؛ جز زیبایی چیزی ندیدم.» ابن زیاد از پاسخ یک زن اسیر در شگفت می ماند و از این همه صبر و استقامت و تسلیم او در مقابل مصیبت ها متعجب می شود و قدرت محاجّه را از دست می دهد. [13]

ابن اثیر از مورّخین بزرگ اهل سنت می گوید: «وَكَاثَتْ زَيْنَبُ امْرَأَةً عَاقِلَةً لَبِيْبَةً جَزَلَةً... وَهِيَ يَدُلُّ عَلَى عَقْلِ وَفَوَّةِ جَنَانٍ؛ زینب زنی بود عاقل و خردمند و با زکاوت... و این یعنی کلام حضرت در مجلس یزید بر عقل و قوت قلب و پایداری او دلالت دارد.» [14]

جلال الدین سیوطی از مفسّرین اهل سنت می گوید: «وَكَاثَتْ لَبِيْبَةً جَزَلَةً عَاقِلَةً لَهَا فَوَّةٌ جَنَانٍ؛ زینب بانویی خردمند و عاقل بود و از قوت قلب و مقاومت برخوردار بود.» [15]

و نیز علامه مامقانی از علمای شیعه می گوید: «وَهِيَ فِي الصَّبْرِ وَالْتِبَاتِ وَحِيْدَةً؛ او در صبر و پایداری یکتا و بی همتا بود.» [16]

ما رأيتُ الا جمیلاً یعنی شجاعت و ایستادگی

زینب (علیها السلام) با اینکه در شهادت هریک از شهدا کربلا به شدت گریه کرد، مخصوصاً در شهادت حسین بن علی (علیهما السلام) و علی الخصوص آن لحظه ای که وارد گودال قتلگاه شد، به گونه ای گریه کرد که دوست و دشمن را به گریه انداخت؛

ولی جملاتی به زبان جاری کرد که نشان می داد به خوبی در این امتحان پیروز شده است. وی دست های خود را زیر پیکر مقدس برادرش حسین برد و رو به آسمان کرد و گفت: «إِلَهِي تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقُرْبَانَ؛ خدایا! این قربانی را از ما قبول کن.» [17]

در مجلس ابن زیاد، ماندگارترین جمله را فرمود، آنجا که ابن زیاد روی به جانب زینب (علیها السلام) نمود و گفت: «خدای راسپاس که شما را رسوا کرد و کشت و گفته های شما نادرست از کار درآمد!»

زینب (علیها السلام) در پاسخ فرمود: «خدای را سپاس که ما را به پیامبر خود، محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) گرامی داشت و ما را از پلیدی ها پاک گردانید. فاسق است که رسوا می شود و نابکار است که دروغ می گوید و او ما نیستیم، بلکه دیگری است.» [18]

ابن زیاد گفت: «کار خدا را با برادرت و اهل بیت خود چگونه دیدی؟» زینب (علیها السلام) فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا؛ من جز نیکی و زیبایی از خدا ندیدم.»

«اینان گروهی بودند که خداوند شهادت را برایشان تقدیر کرده بود و به سوی جایگاه ابدی خود شتافته، در آن آرمیدند.» چنان که امام سجاد (علیه السلام) به ابن زیاد فرمود:

«أَيُّ الْقَتْلِ تُهَدِّدُنِي يَا بَنَ زَيْدٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْقَتْلَ لَنَا عَادَةٌ وَكِرَامَتُنَا الشَّهَادَةُ؛ مرا از مرگمی ترسانی؟! مگر نمی دانی که کشته شدن عادت ما است و شهادت در راه خدا برای ما کرامت است؟» [19]

ما رأيتُ الا جمیلاً روی دوم سکه کربلا
کربلا یک سکه دو رویه بود؛ یک روی، نیش بود از سوی بشری نادان و روی دیگر نوش بود از حکیمی مهربان، یک روی آن خون بود و شمشیر و آتش، قتل بود و غارت، و این ظاهری بود که دیده می شد،

و از سوی یزید و یزیدیان بود. اما روی دوم که درک آن بصیرت و دقت نظر لازم داشت، تقرب به ذات اقدس الهی بود؛ به نمایش گذاردن درس ها و زیبایی های مکتب الهی و تربیت یافتگان آیین اسلام و جان فشانی برای احیای چنین مکتبی است.

و عنایت خاص پروردگار به جهت این جان بازی، و ایثار در راه هدف مقدس الهی، همان هدفی که خداوند در آفرینش انسان و هدایت او داشت و دارد و این که این هدف و این هدایت بایستی تا قیامت بماند،

تا بشریت در سایه آن تربیتی آسمانی بیابد؛ آن روی که مستند به خدا است عنایت است و همه زیبایی، و حضرت زینب (سلام الله علیها) نیز همین روی را دیده که سخن از زیبایی می گوید.

از همین روی است که هر چه آتش جنگ شدت می گرفت، امام حسین (علیه السلام) و برخی از همراهانش را می دیدند که چهره هایشان گلگون تر و شکفته تر می شود و دل هایشان آرام تر می گردد. > [20]

ما رأيتُ الا جمیلاً یعنی اخلاص و تسلیم حضرت زینب (س)
بیان عبارت ما رأيتُ الا جمیلاً در آن مقطع، نشانه ای از عظمت روح، اخلاص و تسلیم حضرت زینب در برابر امتحان الهی قلمداد شده است. [21]

عده ای به کار بردن این جمله توسط حضرت زینب(س) را نشانگر بعد عرفانی شخصیت او دانسته [22] بعضی نیز بر این باورند که این جمله نگاهی توحیدی است که اعتقاد به امر و قضای الهی را نیز نشان می دهد. [23]

گفته شده است حضرت زینب(س) در روز عاشورا به دلیل جایگاه رفیع در اعتقاد به توحید، دو جمال را مشاهده کرد، یکی جمال ربوبیت خدای متعال و دیگری جمال عبودیت امام حسین(ع) و این به معنای اوج مقام محبت و رضای الهی است. [24]

ما رأيتُ الا جمیلاً یعنی حقیقت نه ظاهر
جمله ما رأيتُ الا جمیلاً به معنای «چیزی جز زیبایی ندیدم» ترجمه شده؛ برخی نیز آن را به معنای «چیزی به جز صاحب جمال ندیدم» نیز معنا کرده اند. [25]

طبق گفته برخی از محققان در نگاه ظاهری به ماجرای عاشورا، هیچ صحنه زیبایی وجود نداشت و منظور حضرت زینب(س)، حقیقت دیگری بود که در ورای ظاهر وجود داشت. [26]

ما رأيتُ الا جمیلاً یعنی زیبایی هدف
برخی معتقدند زیبایی واقعه عاشورا در کلام حضرت زینب(س) را باید در اهداف آن جستجو نمود؛ اهدافی چون هدایت انسان ها و نجات دادن آنها از ظلمت و تاریکی جهالت، زنده کردن اسلام و احیای سنت نبوی.

افشا کردن ماهیت امویان و طاغوت های زمان، زدودن بدعت ها و کج روی ها، زنده کردن حق و میراندن باطل و امر به معروف و نهی از منکر. [27]

ما رأيتُ الا جمیلاً یعنی زیبایی رفتار

همچنین گفته شده که منظور حضرت زینب(س) از زیبایی، رفتار امام حسین(ع) و یاران او و زیبایی شهادت و جان دادن در راه خدا بود. [28]

امام حسین(ع) و اصحاب او با اطاعت از فرمان الهی و انجام وظیفه ای که برعهده آنها بود به پیروزی و سعادت رسیدند؛ بنابراین هیچ چیزی برای آنها شیرین‌تر و زیباتر از عمل کردن به وظایف الهی نبود.

چه آن اتفاق، آسان و خوشایند باشد و یا سخت و مصیبت بار. [29] حضرت زینب(س) نیز به همین دلیل همه آنچه را که اتفاق افتاده بود، زیبا قلمداد کرد. [30]

ما رأیتُ الا جمیلاً یعنی زیبایی تدبیر خداوند
عده ای خاستگاه جمله حضرت زینب(س) را زیبایی خداوند و افعال او دانسته و معتقدند که حضرت زینب(س) مصیبت های عاشورا را از این نظر زیبا دانست؛ [31]

برخی از محققان، تصور مشهوری که معتقد است حضرت زینب(س) هرچه را در کربلا رخ داده، زیبا قلمداد کرده است، خلاف واقع دانسته و معتقدند ایشان متناسب با سؤالی که در مورد کار خداوند با برادرش پرسید به پاسخگویی پرداخت.

بنابراین جمله حضرت زینب(س) چند کلمه در تقدیر دارد و در اصل چنین است: «ما رأیت من الله الا صنعا جمیلاً» از خداوند چیزی جز زیبایی ندیدم. [32]

ما رأیتُ الا جمیلاً و آثار آن
جمله ما رأیتُ الا جمیلاً و هدف حضرت زینب(س) در به کار بردن این جمله، از سوی محققان مورد تفسیر و تأویل قرار گرفته است و آثار مختلفی را برای آن ذکر کرده اند. [33] بعضی از آنها عبارت اند از:

1- ما رأیتُ الا جمیلاً یعنی رسوا ساختن ابن زیاد
برخی از محققان معتقدند که عبیدالله بن زیاد سعی داشت با ارتباط دادن رفتار خود به خواست الهی و نادیده گرفتن خطای انسان ها، بر جنایت های روز عاشورا سرپوش بگذارد و پرونده شهادت امام و یارانش را ببندد؛ [34]

اما حضرت زینب(س) با این سخن حقایق را بازگو کرد و دیدگاه ابن زیاد مبنی بر خدایی بودن شکست امام را رد نمود؛ [35] بنابراین سخنان حضرت زینب سبب آشکار شدن حقایق قیام برای حاضران و رسوایی ابن زیاد در مجلس شد. [36]

2- ما رأیتُ الا جمیلاً یعنی اثبات حقانیت امام حسین(ع)
گفته شده است کمترین اظهار ضعف و نارضایتی از سوی حضرت زینب(س) می توانست دشمن را پیروز جلوه دهد.

اما جمله حضرت سبب تزلزل جایگاه دشمنان و اثبات حقانیت امام حسین(ع) نزد مردم شده [37] و علاوه بر جلوگیری از تحریف واقعه کربلا توسط حکومت، افکار مردم را برای گرفتن انتقام آماده نمود. [38]

3- ما رأیتُ الا جمیلاً، رسم الخطّ حقّ و باطل:
از زیبایی های دیگر عاشورا، خط کشی میان حق و باطل و تبیین منطقه حضور و عمل انسان های «دد منش» و «فرشته خو» است.

وقتی خوبی و بدی و حق و باطل به هم در آمیزد، تیرگی باطل حق را هم غبار آلود و ناپیدا و مشوّه جلوه می دهد. در ظلمت آبادی این چنین، گمراهی اندیشه ها و انسان ها طبیعی است .

و کفر نقابدار، مسلمانان ساده لوح و سطحی نگر را به شبهه می افکند. زیبایی کار امام حسین(ع) آن بود که مشعلی روشن کرد، تا راه، روشن شود، تیرگی ها بگریزد، چهره ها در آن هواي گریگ و میش فتنه و دروغ، نمایان و باز شناسانده شود، تا دیگر فریب و نقاب، بی اثر شود. آیا این زیبا نیست؟

عاشورا یک رسم الخط بود، ترسیم روشن خطی که حق و باطل را جدا کرد و مسلمان ناب را از مسلمان نمای مدّعی باز شناساند، پیروان رحمان و جنود شیطان هر کدام در یک سو به عیان دیده شدند.

حق، پی برده و صریح، به نبرد باطل آمد که عیان و بی نقاب به کربلا لشکر کشیده بود و مزورانه بر طبل «یا خیل الله اربکی» می کوبید.

اگر هم اندک تردیدی در «شناخت» باقی مانده بود، خطبه های زینب در کوفه و شام، آن را زدود. این از زیبایی های بس قیمتی حادثه خونین عاشورا بود.

4- ما رأیتُ الا جمیلاً یعنی تبلور فتح ناب:

از زیبایی های دیگر عاشورا، مفهوم تازه ای از «پیروزی» است.. عده ای به غلط، پیروزی را تنها در «غلبه نظامی» می پندارند و شکست را در مظلومیت و شهادت.

عاشورا نشان داد که در اوج مظلومیت هم می توان «فاتح» بود و با کشته شدن هم می توان دفتر و کتاب پیروزی را نگاشت و با خون هم ترسیم «تابلوی ظفر» میسر است. پس فاتح معرکه کربلا حسین(ع) بود و چه فتح زیبایی!

این همان «پیروزی خون بر شمشیر» است که در سخن امام راحل(قدس سره) هم جلوه گر شد و فرمود: «ملتی که شهادت برای او سعادت است، پیروز است»;

ما در کشته شدن و کشتن پیروزیم. 5 و این همان آموزش قرآنی «احدی الخسّیین» است که فرهنگ مبارزان الهی است. کسی که به «تکلیف» عمل کرده باشد، در هر حال پیروز است، آن هم پیروزی ناب.

این دیدگاه را، هم امام حسین(ع) داشت، هم امام سجاد، هم حضرت زینب. با این دید، همه آن حوادث تلخ، چون پیامدی به سود اسلام و حق داشت، جمیل و شیرین بود.

وقتی ابراهیم بن طلحه از امام زین العابدین پرسید: «چه کسی غالب شد؟» حضرت فرمود: آنگاه که وقت نماز فرا می رسد، اذان و اقامه بگو، خواهی فهمید که چه کسی پیروز شد [39]

و آیا این، در حادثه کربلا زیبا نیست؟ پیروزی، حتی در صورت کشته شدن و شهادت!

5- ما رأیتُ الا جمیلاً، همان آرزوی سید الشهدا(ع) است

«زیبایی» هستی و حیات، هم آرامش روح و وجدان می بخشد، هم صلابت و پایداری و پایداری می آفریند و هم قدرت تحمل ناگواری ها را می افزاید.

از این نگاه، «عاشورا» همانگونه که زینب کبری(ع) فرمود، جز «زیبایی» نبود. آنچه زینب قهرمان در مقابل طعنه و طنز دشمن نسبت به این حادثه، بر زبان راند (ما رأیتُ الا جمیلاً) [40]، جز زیبا ندیدم.

پیشتر آرزوی حسین بن علی(ع) بود که در طلیعه این سفر، آرزو و اظهار امیدواری کرده بود که آنچه پیش می آید و آنچه اراده خداست، «خیر» برای او و یارانش باشد، چه به صورت «فتح»، چه به شکل «شهادت»:

«أرجو أنْ یكونَ خیراً ما ارادَ اللهُ بنا، قتلنا ام ظفرنا» [41]

زیبا دیدن خواهر و خیر دیدن برادر، مکمل یکدیگرند.

6- ما رأیتُ الا جمیلاً، تجلی کمال زینبی است

این که انسان تا کجا می تواند اوج بگیرد، زلال شود، خدایی گردد، فانی در خدا شود، در «میدان عمل» روشن می شود. کربلا نشان داد که سقف تعالی انسان و آستانه رفعت روحی و تصعید وجودی و ظرفیت کمال جویی و کمال یابی او تا کجاست.

در مقامات و مراحل عرفانی و سلوک، رسیدن به مقام «رضا» بسی دشوار و بس ارجمند است. اگر حضرت زینب، حادثه کربلا را زیبا می بیند، به خاطر بروز این شاخصه متعالی در عملکرد ولی خدا سیدالشهداست و یاران و دودمانش.

این مرحله از عرفان، یعنی خود را هیچ ندیدن و جز خدا هیچ ندیدن و در مقابل پسند خدا اصلاً پسندی نداشتن. در آغاز حرکت از مکه به سوی کوفه نیز در خطبه ای فرموده بود: «رضا لله رضا اهل البیت»، [42] رضا و پسند ما خاندان، همان پسند خدا است! این مینای جانبازی و عشق حسین است و زینب عزیز، این را زیبا می بیند و این منطق و مرام را می ستاید.

7- ما رأیتُ الا جمیلاً یعنی شب قدر عاشورا:

این صحنه، از درخشان‌ترین جلوه‌های زیبایی است. کسانی که در سر دوراهی رفتن و ماندن، «ماندن» را که نشان «وفا» و «ایثار» است بر می‌گزینند و «زندگی بدون حسین» را ذلت و مرگ می‌شمارند.

آن خطبه امام، آن ابراز وفاداری یاران، آن سخنان و سؤال امام با قاسم، آن شب بیداری اصحاب تا سحرگاهان، آن زمزمه تلاوت قرآن و نیایش از خیمه‌ها، آن اعلام وفاداری یاران در حضور زینب کبری و امام حسین(ع)، هر کدام برگه‌هایی از این «کتاب جمال» است. چرا زینب، عاشورا را زیبا نبیند؟

آنچه در کربلا اتفاق افتاد، به یک «بنیاد» تبدیل شد، برای مبارزه با ستم در طول تاریخ و در همه جای زمین. آیا این زیبا نیست؟

لحظه لحظه‌های عاشورا، به صورت یک «مکتب» در آمد، که به انسان «آزادگی»، «وفا»، «فتوت»، «ایمان»، «شجاعت»، «شهادت طلبی»، «بصیرت» آموخت. آیا این زیبا نیست؟

خون‌های مطهری که در آن دشت بر زمین ریخت، سیلی شد و بنیان ستم را ویران کرد. آیا این زیبا نیست؟
هر بساطی را که عمری شامیان گسترده بود
نیم‌روزی این حسین بن علی برچید و رفت

نتیجه:

در پاسخ به این سوال خواهیم گفت که: نخست آنکه روح واقعه کربلا تقابل طاعت جنبه حسینی در برابر عصیان جنبه یزیدی است.

طبیعتاً غلبه طاعت جمیل است و البته حضرت زینب(س) می‌داند که این غلبه تاوان دارد، اما با همه درد و غمی که دارد این هزینه‌ها را پذیرفته‌اند؛ گو اینکه عقل پیشینی حضرت زینب(س) نتایج پسینی واقعه کربلا را می‌بیند.

این جمله حضرت زینب(س) از یک جنبه به روح صحنه واقعه کربلا بر می‌گردد که در واقع تثبیت روح طاعت الهی است و نکته دومی که به ذهن می‌آید.

اینکه مومن وقتی سعه وجودی پیدا می‌کند اتفاقاتی از این دست هرچند که به ظاهر بزرگ و اعظم مصائب بشری در طول تاریخ باشد، نمی‌تواند آن عظمت وجودی مومن را ملتهب و مضطرب کند.

اگر واقعه کربلا را در نسبت سعه وجودی حضرت زینب(س) تحلیل می‌کنیم، که در آن واقعه عاشورا چیزی نیست که عقیده بنی هاشم(س) را ملتهب کند، منظور از التهاب این است که حضرت زینب(س) را از هدف‌شان منحرف کند، طبعاً سختی خود را دارد. از منظر فکری حضرت زینب(س) دیدن این شهدا یعنی رسیدن به مقام حکمت و رسیدن به قرب الهی و قرار گرفتن در جوار رضوان الهی.

این مفاهیم و این اتفاقات اصلاً قادر نیست که عقیده بنی هاشم(س) را بر هم بریزد، لذا به آن وقایع می‌گوید: «جمیل»؛ کربلا در چشم حضرت زینب(س) بستر فرصت‌ساز برای تقرب اجتماعی آن کاروان کربلایی است.

پی‌نوشت:

1. معنای «ما رأیت الا جمیلاً»، خبرگزاری حوزه.
2. علوی علی آبادی، «ما رأیت الا جمیلاً»؛ «سر تولد» جمیلاً از دل مصائب کربلا، خبرگزاری شبستان؛ «نگاه الهی حضرت زینب(س) به واقعه کربلا»، خبرگزاری حوزه.
3. ابن اعثم، الفتوح، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۱۲۲؛ مقرر، مقتل الحسین(ع)، بیروت، ص ۳۴۱؛ ابن طاووس، اللهوف، ۱۳۴۸ش، ص ۱۶۰.
4. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۱۲۸۷ق، ج ۵، ص ۴۵۷؛ ابن کثیر، البداية و النهایة، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۹۳؛ ابن اثیر، الكامل، ۱۲۸۵ش، ج ۴، ص ۸۲.
5. ابن اعثم، الفتوح، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۱۲۲.
6. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۱۲۸۷ق، ج ۵، ص ۴۵۷؛ ابن کثیر، البداية و النهایة، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۹۳.
7. عدم تأیید منابع تاریخی در نسبت دادن «ما رأیت الا جمیلاً» به حضرت زینب(س)، خبرگزاری شبستان.
8. ابن اعثم، الفتوح، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۱۲۲.
9. ابن اعثم، الفتوح، ج ۵، ص ۱۲۲، پاورقی.

10. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۴۰، تهران، صدرا.
11. بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۵.
12. ابو عبدالله مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الكبير، ص ۵۰۴.
13. علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵.
14. ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن ابی الکریم، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۶۹.
15. نقدی، جعفر، زینب کبری (سلام الله علیها)، ص ۲۸.
16. مجموعه من العلماء، رسائل الشعائر الحسينية، ص ۴۸۳.
17. نقدی، جعفر، زینب کبری (سلام الله علیها)، ص ۷۵.
18. شیخ مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۱۵.
19. امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۰۹.
20. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۹۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
21. علوی علی آبادی، فاطمه سادات، «مارایت الایمیلای»، جمععی از نویسندگان، مع الרכب الحسینی، ۱۳۸۶ش، ج ۵، ص ۱۳۱.
22. جمععی از نویسندگان، مع الרכب الحسینی، ۱۳۸۶ش، ج ۵، ص ۱۳۱؛ «سرّ تولد «ما رأیت الایمیلای» از دل مصائب کربلا، خبرگزاری شبستان.
24. «حضرت زینب(س) چگونه به مقام «مارایت الایمیلای» رسید»، کینا نیوز.
25. «ما رأیت الایمیلای را درست معنا کنیم»، سایت قاصدون.
26. «چرا حضرت زینب(س) فرمودند ما رأیت الایمیلای؟»، تبیان؛ «منظور از «ما رأیت الایمیلای»، پایگاه اطلاع رسانی یاوران مهدی(عج).
27. «معنا و تفسیر دقیق جمله حضرت زینب(س) مارایت الایمیلای چیست؟»، شهر جواب.
28. «ما رأیت الایمیلای؛ جواب دندان شکن «حضرت زینب(ع) به ابن زیاد»، خبرگزاری میزان.
29. معنای «ما رأیت الایمیلای»، خبرگزاری حوزه؛ «سرّ تولد «ما رأیت الایمیلای» از دل مصائب کربلا، خبرگزاری شبستان.
30. معنای «ما رأیت الایمیلای»، خبرگزاری حوزه.
31. علوی علی آبادی، فاطمه سادات، «مارایت الایمیلای»؛ «شرح عبارت "ما رأیت الایمیلای" (بخش اول) - سید محمد مهدی میرباقری»، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت(ع).
32. معنای صحیح ما رأیت الایمیلای، پایگاه اطلاع رسانی هیأت رزمندگان اسلام.
33. مشاهری فرد، «تأملی زیبایی شناختی بر ما رأیت الایمیلای».
34. هاشمی نژاد، درسی که حسین(ع) به انسانها آموخت، ۱۳۸۲ش، ص ۲۰۸؛ «معنا و تفسیر دقیق جمله حضرت زینب(س) مارایت الایمیلای چیست؟»، شهر جواب.
35. هاشمی نژاد، درسی که حسین(ع) به انسانها آموخت، ۱۳۸۲ش، ص ۲۰۸.
36. هاشمی نژاد، درسی که حسین(ع) به انسانها آموخت، ۱۳۸۲ش، ص ۲۰۸.
37. علوی علی آبادی، فاطمه سادات، «مارایت الایمیلای».
38. هاشمی نژاد، درسی که حسین(ع) به انسانها آموخت، ۱۳۸۲ش، ص ۲۰۹.
39. اذا دخل وقت الصلاة قَادَنَ وَ اَقِم، تعرفُ مَنْ الغالب (امالی شیخ طوسی، ص 66).
40. بحار الانوار، ج 45، ص 116.
41. اعیان الشیعه، ج 1، ص 597.
42. موسوعة کلمات الإمام الحسین، ص 328.

منابع:

- <http://www.shabestan.ir/detail/News/728513>
<https://mohadese-borojerd.kowsarblog.ir>
<https://fa.shafaqna.com/news/459127>
<https://article.tebyan.net/341120>
<https://www.alvadosadegh.com>
<https://wikirazavi.blog.ir/post>
<https://vareth.ir/news/62698>
<https://fa.wikishia.net/view>
<https://wikiporsesh.ir>
<https://fa.wikifeqh.ir>